

دکتر ابراهیم یاقوتی^۱

استادیار، گروه فقه و مبانای حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر علی واعظ طبسی

استادیار، گروه فقه و مبانای حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

بررسی اقوال اصولیین در "تمسک به عام قبل از فحص از مخصص "با تأکید بر دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)"

چکیده

در این مقاله یکی از مباحث مهم موضوع عام، تحت عنوان تمسک به عام قبل از فحص از مخصص و حاصل آن که بحث تمسک یا عدم تمسک به عام قبل از جستجوی مخصص از دیدگاه اصولیین مورد بررسی قرار گرفت. هدف اصلی از انجام این تحقیق علاوه بر بیان حکم تمسک عام قبل از فحص از مخصص، بیان و تحلیل دلایل جواز یا عدم جواز تمسک به عام قبل از فحص است. بنابراین روش تحقیق تحلیلی توصیفی می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اصولاً تمسک به عام قبل از فحص از مخصص از نظر مشهور اصولیین جایز نیست و در این خصوص ادعای اجماع نیز شده است. اصولیین فقط در خصوص دلیل وجوب فحص از مخصص با یکدیگر اختلاف نظر دارند و در این خصوص هر یک از اصولیین به نحوی استدلال نموده‌اند و از این دلایل دلیل مرحوم آخوند خراسانی که امام (ره) نیز همین عقیده را دارند از بقیه دلایل قوی‌تر است ایشان قائل به تفصیل شده‌اند به این صورت که اگر عام از عموماًتی باشد که در معرض تخصیص قرار ندارد در این صورت فحص از مخصص لازم نیست اما در غیر این صورت فحص از مخصص لازم است. در مقاله حاضر کوشش به عمل آمده تا با بررسی و مقایسه آراء بزرگان علم اصول فقه ابهام‌های موجود از این مسأله رفع شود.

واژگان کلیدی:

عام، مخصص، خاص، فحص، مشافهین.

مقدمه

عام و خاص یکی از مباحث مهم علم اصول است که اصولیین در ذیل آن فصول متعددی را مطرح نموده‌اند از جمله مهم‌ترین این بخش‌ها موضوع تمسک به عام قبل از فحص از مخصص است. موضوع تمسک به عام قبل از فحص از مخصص را اولین بار فردی به نام ابن سریج (متوفای ۳۰۲) مطرح کرده است و گفته است تمسک به عام قبل از فحص مخصص جایز نیست؛ بعد شاگرد ایشان به او اعتراض کرده است که اگر چنین باشد نباید قبل از فحص از قرینه مجاز، به حقیقت تمسک کنیم. (منتظری، ۱۳۷۳: ۳۴) مثلاً اگر کسی گفت شیر را دیده ما تا مطمئن نشویم که مراد او رجل شجاع نیست نباید به گفته‌ی او که واقعاً شیر را دیده است یقین پیدا کنیم و حال آن‌که کسی چنین ادعایی نکرده است و همه اصولیین اصاله الحقیقه را قبل از فحص از قرینه حجت می‌دانند.

بحث پیرامون جواز یا عدم جواز تمسک به عام قبل از فحص از مخصص یکی از مباحث مهم عام و خاص است که در مباحث فقهی، علوم قرآنی، تفسیر و حقوق کار برد بسیار دارد. اصولی‌ها این بحث را در چند مرحله مطرح نموده‌اند مرحوم آخوند (ره) چهار مرحله برای این موضوع عنوان کرده‌اند که عبارت‌اند از: ۱- بررسی محل نزاع ۲- بیان دلیل بر اعتبار فحص از مخصص ۳- تبیین مقدار فحص واجب؟ ۴- تشریح ماهیت فحص از مخصص.

در این مقاله اگرچه بیشتر در مقام تبیین آراء علمای علم اصول پیرامون جواز یا عدم جواز تمسک به عام قبل از فحص از مخصص هستیم اما از آنجایی که تحقیق این مقام به یک سلسله مباحث مقدماتی نیازمند است ما نیز بحث اصلی خود را پس از ذکر مقدمات بیان می‌کنیم.

توضیح اصطلاحات

گرچه عام و خاص دارای مفهوم روشنی هستند که نیاز به تعریف ندارند و هرگونه تحقیقی نسبت به آن‌ها صورت گیرد جزء شرح اسم نیست اما برای نزدیک کردن اذهان به مطلوب و آشنایی بیشتر به نحو مختصر معنی آن‌ها را بیان می‌کنیم.

عام در لغت اسم فاعل است که از «عَمَّ الشَّيْءَ عَمُومًا» یعنی همه آن را فراگرفت مشتق شده است. (سیاح، ۱۳۸۷: ۱۰۵۵/۴) خاص نیز اسم فاعل است و به معنای «خَصَّهُ بالشَّيْءِ، يَخُصُّهُ ... أفرَدَهُ به دون غیره» یعنی آن را ویژه او ساخت می‌باشد. (ابن منظور، ۱۳۷۴: ۱۴۰۵). در خصوص معنای اصطلاحی عام اصولیین همچون بسیاری از موارد دیگر اختلاف نظر دارند و هر یک تعریفی ارائه نموده‌اند که توسط نویسندگان پس از خود مورد نقض و نقد قرار گرفته است. از آنجایی که بیشتر این اختلافات همان‌گونه که خواهیم گفت اختلافات لفظی است و بنابراین اهل تحقیق (طباطبایی حکیم، ۱۳۷۲: ۱ / ۴۸۲؛ مظفر، ۱۳۶۸: ۱۳۹؛ آخوندخراسانی، ۳۳۲) معنای مرتکز است و معنای عموم و عام روشن‌تر از این‌گونه تعریف‌های مفهومی و مصداقی است یعنی تعریف‌های ارائه شده بیش تر در مقام بیان مفهوم و مصداق کلمه عام و خاص می‌باشند نه در مقام بیان ماهیت این کلمه؛ لذا در این مقام به تعریفی که مرحوم آخوند (ره) در کفایه‌الاصول بیان نموده است اکتفا می‌کنیم.

ایشان عموم را این‌گونه تعریف می‌نمایند: «فالعموم ما يصلح في الجميع - الاستغراقی و المجموعی و البدلی بمعنی واحد و هو شمول المفهوم لجميع ما يصلح أن ينطبق عليه ...» (خراسانی، ۳۳۲ و کاظمی، ۱۴۱۷: ۵۱۱/۲) بنابراین یک مفهوم چنانچه تمام آنچه را که صلاحیت انطباق بر آن را دارد فراگیرد آن مفهوم عام می‌باشد.

حال اگر در کنار مفهوم عام دلیل دیگری وجود داشته باشد که تعدادی از افراد عام را از تحت شمول حکم عام خارج نماید چنین دلیلی را خاص یا مخصص و مفهوم آن را تخصیص می‌نامند مثلاً اگر از جانب شخصی که اجرای حکم الزامی است حکمی صادر شود که «اکرم العلماء» و بعد در دلیل دیگری بگوید «لاتکرم الفساق من العلماء» در چنین حالتی دلیل اول را عام و دوم را خاص می‌گویند و با ورود دلیل دوم قسمتی از افراد دلیل عام (علمای فاسق از حکم عام و جوب اکرام» خارج می‌گردد. (مشکینی، علی، ۱۳۷۱: ۱۶۸)

بعد از ذکر مقدمات وارد اصل مبحث می‌شویم و در ابتدا در خصوص ماهیت فحص از مخصص صحبت می‌کنیم.

۱- ماهیت فحص از مخصص

مرحوم آخوند (ره) این موضوع را تحت عنوان «ایقاظ» در آخر مسأله بیان کرده‌اند. سؤال ما در این قسمت این است که ماهیت فحص از مخصص در عام چیست؟ آیا این همان فحصی است که در شبهات حکمیة و موضوعیة لازم است یا اینکه با هم تفاوت دارند؟

مرحوم آخوند (ره) می‌فرمایند: «الفرق بین الفحص هاهنا و بینه فی الاصول العملیه» بین فحص در محل بحث با فحص در اصول عملیه تفاوت وجود دارد. (آخوند خراسانی، همان، ص ۲۲۶) توضیح اینکه بین فحص از مخصص در اینجا با فحص از مخصص در اصول عملیه ماهیتاً تفاوت وجود دارد. چون فحصی که در باب اصول عملیه واجب است فحصی است که مقوم حجیت جریان اصول عملیه است و اصول عملیه بدون آن اصلاً موضوعی ندارند. به فرض مثال قاعده قبح عقاب بلا بیان در صورتی جاری می‌شود که بیانی از مولا صادر نشده باشد و روشن شدن وجود عدم بیان متوقف بر فحص است و تا فحص صورت نگیرد حکم به قبح عقاب بلا بیان ممکن نیست. بنابراین بدون فحص اصلاً مخصصی برای جریان اصل عملی وجود ندارد. اما در مبحث عام این‌گونه نیست چون در محل بحث دلیل عام، ظهور در عموم دارد و اگر دلیلی وجود داشته باشد منافی با حجیت عام است به همین خاطر مقتضی برای حجیت عام در اینجا موجود است و وجود مخصص مانع از به فعلیت رسیدن آن مقتضی است. (بجنوردی، ۱۳۸۶: ۱/ ۶۵۷ و آیه‌الله خوبی، ۱۳۷۸: ۴۸۰/۱)

اگر کسی اشکال کند که این تفاوت فقط در اصول عملیه عقلیه وجود دارد اما اصول عملیه شرعیه را در بر نمی‌گیرد.

مرحوم آخوند در جواب می‌فرمایند این حرف اشتباه است چون که به اجماع ثابت شده است که منظور از علم و معرفتی که در این ادله اخذ شده است علم و معرفت بعد از فحص است نه قبل از فحص. (آخوند خراسانی، همان)

اما عده‌ای از اصولیین به مرحوم آخوند (ره) اشکال کرده‌اند و فرموده‌اند در اصول عملیه نیز مطلقاً مقتضی برای حجیت وجود دارد. (الفیاض، ۱۳۹۰: ۵/ ۳۴۵)

بنابراین طبق عقیده مشهور اصولیین بین اصول عملیه و مانحن فیه تفاوت وجود دارد؛ چون در مانحن فیه برعکس اصول عملیه مقتضی برای حجت وجود دارد فقط مانع که احتمال وجود مخصص جلوی تأثیر مقتضی را می‌گیرد.

۲- محل نزاع

در خصوص این‌که محل نزاع در این مبحث چیست بین اصولیین اختلاف وجود دارد. عده‌ای از محققین پیش از آخوند معتقدند که عمل به عموم عام قبل از فحص از مخصص به اجماع اصولیین ممنوع است به همین خاطر می‌گویند محل نزاع فقط در میزان و مقدار تفحص است. (عاملی، ۱۳۶۲: ۱۱۹) اما ادعای اجماع صحیح نمی‌باشد چون عده‌ای از اصولیین متقدم همچون بیضاوی (خمینی، ۱۳۷۳: ۸۷) و علامه در برخی از کتاب‌هایش (سبحانی، ۱۳۸۳: ۴۰) معتقدند که عمل به عام قبل از فحص از مخصص اشکال ندارد که بعداً توضیح خواهیم داد. به همین خاطر وقتی در خصوص اصل تمسک به عام قبل از فحص از مخصص بین علماء اختلاف نظر وجود دارد مرحوم آخوند محل نزاع را عمل به عام قبل از فحص از مخصص بیان نموده‌اند. یعنی از نظر ایشان محل نزاع این است که آیا عمل به عام قبل از فحص از مخصص جایز است یا خیر؟ نه اینکه محل نزاع مقدار فحص باشد.

برای توضیح کامل محل نزاع دو نکته را به عنوان مقدمه بیان می‌کنیم. اول اینکه محل نزاع جایی است که احتمال وجود مخصص منفصل باشد و الا اگر احتمال وجود مخصص متصل باشد عام بدون فحص از مخصص حجت است و به واسطه اصاله‌العموم وجود هرگونه مخصص متصلی نفی می‌شود. چون احتمال وجود مخصص متصل با اصل عدم خطاء و با فرض ثقه بودن راوی و ضابط بودن راوی ناسازگار است اما در مخصصات منفصل چون لازم نیست راوی مخصص و قرینه منفصل را در همان کلام ذکر کند همان‌گونه که لازم نیست مخصصات و قرائن متصلی که مرتکز عقلایی هستند را نقل کند. بنابراین در این صورت فحص از مخصص لازم است. (سبحانی، ۱۳۸۳: ۱ / ۴۹۴، موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶: ۳۷۰/۳) البته عده‌ای از اصولیین معتقدند حتی در صورتی که عام در معرض تخصیص به واسطه مخصص متصل باشد باز هم باید از مخصص فحص کرد و عام قبل از فحص از مخصص مطلقاً حجت نیست. (آیه‌الله مکارم شیرازی، ۱۳۷۳/۱۲۱)

ثانیاً به عقیده مرحوم آخوند (ره) محل نزاع جایی است که ما علم اجمالی یا علم تفصیلی به تخصیص نداشته باشیم اگر علم تفصیلی وجود داشته باشد که عامی تخصیص خورده است در این صورت باید از وجود مخصص فحص شود و این از محل نزاع ما خارج است. همچنین اگر علم اجمالی به تخصص داشته باشیم یعنی فرضاً اگر ۱۰ مورد عام داشته باشیم و علم اجمالی داشته باشیم که یکی از آنها تخصیص خورده این نیز از محل نزاع خارج است و باید به دنبال مخصص بگردیم و فحص از مخصص در این مورد نیز واجب است. به عقیده مرحوم آخوند محل نزاع جایی است که یک عامی وارد شده است و علم تفصیلی یا اجمالی به تخصیص هم نداریم، در اینجا است که می‌خواهیم ببینیم آیا فحص از مخصص واجب است یا نه؟ (آخوند خراسانی، همان و محقق قمی، ۱۳۷۷: ۵۲۳/۲)

با این بیان تفاوت دیدگاه آخوند (ره) با برخی از بزرگان اصول که قبل از ایشان بوده‌اند مشخص می‌شود. چون همان‌گونه که خواهیم گفت عمده‌ترین دلیل کسانی که فحص از مخصص را واجب می‌دانند همین علم اجمالی است. یعنی می‌گویند ما در شریعت عموماتی داریم و علم اجمالی داریم به این که بعضی از این عمومات تخصیص خورده است و چون در مقابل هر عامی این علم اجمالی وجود دارد و ما باید قبل از عمل به عام دنبال مخصص برویم. (آیه‌الله خویی، همان)

در حالی که مرحوم آخوند (ره) گفتند در صورتی که ما علم اجمالی داشته باشیم اصلاً نزاعی وجود ندارد و فحص از مخصص در این صورت یقیناً واجب است و از این لحاظ علم اجمالی همانند علم تفصیلی محسوب می‌شود.

بنابراین محل نزاع جایی است که مخصص منفصل باشد و علم تفصیلی و اجمالی به وجود مخصص نداشته باشیم.

۳- دلایل لزوم فحص از مخصص

مرحوم آخوند (قدس سره) در ادامه به طور خلاصه عباراتی را بیان نموده‌اند که توسط اصولیین پیش از ایشان برای وجوب فحص از مخصص به آنها استدلال شده است مثلاً ایشان می‌فرمایند محل نزاع ما بعد از فراغ از این است که مبنای حجیت ظواهر و اصاله

العموم، ظن نوعی است و این که خطابات مختص مشافهین نیستند و ... (آخوند خراسانی، همان)

در خصوص لزوم یا عدم لزوم فحص از مخصص میان اصولیین اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از اصولیین قائل به جواز تمسک به عام قبل از فحص از مخصص می‌باشند. شهیدثانی (علیه‌رحمه) در معالم می‌فرماید: «ذهب العلامة فی التهذیب إلی جواز الاستدلال بالعام قبل الاستقصار البحث فی طلب التخصیص» علامه در کتاب تهذیب قائل به جواز استدلال به عام قبل از فحص از مخصص شده است. البته این نظر ایشان در کتاب تهذیب است اما ظاهر عبارتشان در کتاب نه‌ایه عدم جواز عمل به عام قبل از فحص است. (العاملی، ۱۳۶۲: ۱۱۸)

یا در پاورقی کتاب الوافی آمده است «فقد ذهب بیضاوی إلی جواز الاستدلال بالعام ما لم یکن المخصص و لم یوجب طلبه و ذهب الی ذلک ایضاً الصیرفی و الارموی و البهاری کما فی فواتح الرحموت بهامش المستصفی» (رضوی کشمیری، بی تا: ۴۹۸/۱) بیضاوی قائل به جواز استدلال به عام شده در صورتی که مخصص نباشد و فحص از مخصص واجب ندانسته است. همچنین صیرفی و ارموی و بهاری نیز همین نظر را پذیرفته‌اند همانگونه که در فواتح رحموت آمده است. اما چون دائر مدار بحث ما کلام آخوند (ره) و اصولیین بعد از ایشان همچون آیة‌الله خویی و امام (ره)، شهید صدر و ... می‌باشد به همین خاطر از ذکر دلایل این گروه خودداری می‌کنیم.

اما بعد از مرحوم آخوند اکثر اصولیین قائل به عدم جواز عمل به عام قبل از فحص از مخصص هستند و حتی در این خصوص ادعای اجماع نموده‌اند. (فاضل‌تونی، همان. طباطبایی حکیم، سیدمحسن، حقایق‌الاصول، ۱ / ۵۲۲ - سبحانی، جعفر، تهذیب‌الاصول (تقریرات درس امام خمینی (ره)، ۱۳۶۳، ص ۴۹۴ - آیة‌الله خویی، اجودالتقریرات، ص ۴۸۱ و آخوند خراسانی، همان) این مطلب به عنوان مقدمه ذکر شد اما عمده بحث ما در خصوص دلایل کسانی است که قائل به وجوب فحص از مخصص شده‌اند. چون این‌ها هر یک به وجهی استدلال نموده‌اند و آیة‌الله خویی (ره) شماره این وجوه را تا عدد ۱۳ نیز بیان نموده است. (آیة‌الله خویی، همان) که ما در اینجا مهم‌ترین ادله را همراه با پاسخ مرحوم آخوند (ره) بیان می‌کنیم:

وجه اول: این است که قبل از فحص از مخصص برای مکلف ظن به ظهور عام در عمومش وجود ندارد بلکه ظهور عام یک ظهور بدوی است و در چنین صورتی گمان به مطابقت عام با واقع نداریم. (مظفر، ۱۳۶۸: ۱۵۴ و شهیدثانی، ۱۳۶۲: ۱۲۰)

حاصل این دلیل این است که مجتهد باید بر عموم ظن پیدا کند زیرا حجت برای مجتهد ظن شخصی است یعنی باید شخصاً به این گمان برسد که دلیل مزبور ظهور در عموم دارد و این ظن هنگامی حاصل می‌شود که فحص از مخصص صورت گرفته باشد وگرنه مولا می‌تواند بر علیه او احتجاج کند.

مرحوم آخوند (ره) در جواب می‌فرمایند درست است که بدون فحص از مخصص گمان حاصل نمی‌شود ولی حجت عام دائر مدار حصول یا عدم حصول ظن شخصی نیست بلکه ملاک ظن نوعی است و نزاع ما در اینجا بعد از اثبات این است که ملاک حجیت ظواهر ظن نوعی است. (آخوند خراسانی، همان) بنابراین وقتی عام ظهور در عموم دارد این ظهور حجت است چه ظن شخصی مطابق با واقع باشد یا نباشد.

وجه دوم: این وجه به صاحب تسدیدالاصول (علیه رحمه) نسبت داده شده است. محقق قمی فرموده است حجیت خطابات مختص به مشافهین است و خطابات برای غائبین از مجلس خطاب حجت نمی‌باشد و ثبوت تکلیف برای غائبین و معدومین طبق قاعده اشتراک است و قاعده اشتراک خود خلاف قاعده است و قاعده اختصاص خطابات به مشافهین است و ما فقط در مقداری که یقین به ثبوت تکلیف برای مشافهین داشته باشیم می‌توانیم با قاعده اشتراک حکم به ثبوت حکم برای غائبین و معدومین بکنیم و قدر متقین از ثبوت تکلیف در موارد عام برای مشافهین موارد بعد از فحص از مخصص است. (محقق قمی، ۱۳۷۷: ۱/ ۵۲۳) مرحوم آخوند می‌فرمایند بحث ما بعد از اثبات این نکته است که خطابات «للمشافه و غیره» مشترک بین مشافهین و غیرمشافهین می‌باشد نه اینکه فقط مختص به مشافهین باشد. (آخوند خراسانی، همان، ۲۲۶)

وجه سوم: عده‌ای دیگر گفته‌اند ما علم اجمالی داریم که عمومات قرآن و اخبار تخصیص خورده است؛ این علم اجمالی مانع از حجت عام قبل از فحص از مخصص است. از جمله کسانی که قائل به این نظریه شده‌اند مرحوم میرزای نائینی است.

مرحوم محقق نائینی (قدس سره) می‌فرماید برای لزوم فحص از مخصص علم اجمالی به یک سری مخصصات دلیل تامی است. ایشان برای استدلالشان یک مقدمه‌ای ذکر می‌کنند و می‌فرمایند علم اجمالی همانند قضیه منفصله مانعه الخلوّ است. همان طوری که در قضیه منفصله مانعه الخلوّ ما در واقع دو قضیه داریم یعنی وقتی شما می‌گویید زید إما فی الدار و إما فی المدرسه؛ این درواقع به دو قضیه منحل می‌شود یکی زید فی الدار، یکی زید فی المدرسه؛ اما ما چون علم نداریم که کدام یکی از این‌ها مطابق با واقع است قضیه را با إما می‌آوریم و به صورت تردید ذکر می‌کنیم. می‌فرمایند در علم اجمالی هم قضیه به این صورت است یعنی علم اجمالی هم منحل به دو قضیه می‌شود شما وقتی دو ظرف دارید و علم اجمالی دارید که یکی از این دو ظرف خمر است، واقعیت این است که می‌توانیم بگوییم: هذا المایعُ خمرٌ و هذا المایعُ ماءٌ اما چون مردد هستیم و به واقع علم نداریم قضیه را به صورت علم اجمالی و تردید ذکر می‌کنیم.

بعد از ذکر مقدمه می‌فرمایند هرگاه قضیه دایر بین اقل و اکثر باشد ما دو قضیه داریم؛ قضیه متیقنه نسبت به اقل و قضیه مشکوکه نسبت به اکثر. در ادامه می‌فرمایند علم اجمالی دایر بین اقل و اکثر دو نوع است؛ در یک نوع از علم اجمالی خود علم اجمالی هیچ اصلتی ندارد و منحل به قضیه متیقنه و مشکوکه یعنی اقل و اکثر می‌شود. اما گاهی اوقات همین علم اجمالی دایر بین اقل و اکثر غیر از قضیه متیقنه و مشکوکه عنوان دیگری نیز می‌یابد مثلاً گاهی اوقات شما می‌دانید به زید بدهکارید اما نمی‌دانید پنج تومان بدهکارید یا ده تومان، این داخل در قسم اول است. یعنی در وجوب اداء دین می‌گوییم این پنج تومان اقل یقینی است و نسبت به اکثر اصله البرأه جاری می‌شود. اما مثال صورت دوم این است که شما می‌دانید به زید بدهکارید اما مردد هستید که پنج تومان بدهکارید یا ده تومان، اما یک دفتر دیون دارید که در آن دفتر دیون خود را ثبت کرده‌اید، مرحوم نائینی می‌فرمایند در این صورت دیگر نمی‌توانیم بگوییم این علم اجمالی منحل می‌شود. چون عنوان دیگری وجود دارد به عنوان ما فی‌الدفت‌ر که مرحوم نائینی در کتاب فوائد از آن تعبیر به معلوم بالاجمال نموده است. یعنی دین یک عنوانی دارد و آن دفتر است این عنوان نسبتش به این اقل و اکثر علی‌السویه است. اگر از شما سؤال شود این علم اجمالی نسبتش به اقل و اکثر

یکی است یا نه؟ می‌گفتید یکی نیست چون وقتی علم اجمالی داریم علم اجمالی نسبت به اقل می‌شود علم تفصیلی و نسبت به اکثر شک بدوی می‌شود در صورت اول قضیه متیقنه یعنی اقل خودش رحجان دارد و فی‌نفسه مقدم است. اما در صورت دوم که یک عنوان ما فی‌الدفت‌ر داریم دفت‌ر و آن‌چه در دفت‌ر ثبت شده نسبتش به اقل و اکثر علی‌السویه است ممکن است اقل باشد و ممکن است اکثر باشد بنابراین باید بر طبق آن عنوان دیگر عمل کنیم و نهایتاً احتیاط لازم است. در پایان می‌فرمایند مانحن فیه از همین قسم دوم است با این بیان که ما یک سری عمومات داریم و از طرف دیگر علم اجمالی هم داریم که این عمومات تخصیص خورده است و یک سری مخصصات هم وجود دارد و می‌دانیم این مخصصات در کتب روایی آمده است یعنی دفت‌ر در آن مثال مثل همین کتب روایی است بنابراین در مانحن فیه علم اجمالی دایر بین اقل و اکثر است ولی یک عنوان دیگر یعنی کتب روایی نیز در کار است یا طبق آنچه در کتاب اجودالتقریرات آمده «یک علم اجمالی دوم در کار است» (موسوی‌خویی، ۱۳۷۸: ۴۸۰) بنابراین در این صورت نیز باید احتیاط کنیم. (کازمی خراسانی، ۱۴۱۷: ۵۸۰ و محقق خویی، ۱۳۷۸: ۴۸۰)

پاسخ امام (ره) به فرمایش مرحوم نائینی

امام رضوان‌الله علیه ضمن قبول تفصیل مرحوم آخوند (ره) که بعداً ذکر خواهیم کرد (برای اطلاع از نظر مرحوم آخوند مراجعه شود به صفحه ۱۸ همین مقاله)، یک جواب نقضی داده‌اند و یک جواب حلّی؛ مرحوم امام می‌فرمایند اولاً ما یک جواب نقضی داریم و آن این است که اگر علم اجمالی دایر بین اقل و اکثر معنون باشد به عنوان ما فی‌الدار و ما فی‌المنزل ما فی‌الکیس حالا شما دفت‌ر را مطرح کردید، دفت‌ر که خصوصیتی ندارد حتی فرموده‌اید «ما من موردٍ إلاّ و قد خُصّ» این که یک عنوانی بالاخره عنوان زمانی یا مکانی محقق است. شما الان می‌دانید به زید بدهکارید اما نمی‌دانید پنج تومان بدهکارید یا ده تومان، اما می‌دانید آن زمانی که زید پول را به شما داد چه زمانی بوده است یا در چه مکانی بوده است؛ امام می‌فرمایند بین این‌ها چه تفاوتی وجود دارد یعنی بین این که شما این را در دفت‌ر نوشته باشید یا این که بگویید می‌دانم که در فلان مکان معین این دین واقع شد، حالا نمی‌دانم در آن مکان یا زمان معین دین پنج تومان بوده یا ده تومان، در حالی که نمی‌شود

موردی را یافت که خالی از یک عنوان زمانی یا عنوان مکانی باشد. در ادامه می‌فرمایند اگر یک دنانیری داخل یک کیسه‌ای باشد کسی بیاید این دنانیز و این کیسه را یک جا تلف کند و از بین ببرد آن وقت ندانیم که مثلاً صد دینار بوده یا هزار دینار اینجا از نظر ضمان همه فتوا می‌دهند که مقدار یقینی را ضامن است در حالی که این در یک کیسه‌ای بوده و معین هم بوده است حالا سؤال این است که بین اینکه این دنانیر در این کیسه گذاشته شده و ما نمی‌دانیم صد دینار است یا هزار دینار و اینکه دین را در دفتر نوشته باشد چه فرقی وجود دارد؟ (جعفر سبحانی، ۴۹۷/۱۳۸۳:۱)

در جواب حلی حضرت امام (ره) می‌فرمایند اگر موردی وجود داشته باشد که شک ما شک در محصل باشد مثلاً یک عنوان بسیطی وجود داشته باشد و ما با آوردن اقل نمی‌دانیم آن عنوان بسیط محقق شده است یا محقق نشده است فرضاً در باب وضو اگر بگوییم حقیقت وضو همان به وجود آمدن حالت نفسانی برای متوضی است، حالا در این فرض که فلان جزء هم جزء برای وضو هست یا نه؟ چون مأمور به یک عنوان بسیط واحد است، شک ما در این مورد شک در محصل است و باید احتیاط نمود، اما در محل بحث شک ما دایر بین اقل و اکثر است و شک در محصل نیست که بگوییم باید احتیاط کنیم بلکه در محل بحث نسبت به اکثر که مشکوک است اصل برائت جاری می‌شود. (خمینی، ۱۳۷۳: ۲/ ۲۷۹-خمینی، همان و محقق قمی ۱۳۷۷: ۵۱۸/۱)

پاسخ مرحوم خوئی (ره) به استدلال محقق نائینی (قدس سره)

آیت‌الله العظمی آقای خوئی در حاشیه اجودالتقریرات می‌فرمایند به نظر ما بین این دو تا فرقی وجود ندارد و می‌فرمایند ما در صورت دوران امر بین اقل و اکثر دو صورت داریم اگر علم دوم مردد بین اقل و اکثر باشد در این صورت نیز باید نسبت به اکثر برائت جاری شود. اما اگر علم دوم مردد بین اقل و اکثر نباشد نسبت به اکثر باید احتیاط جاری شود و این‌گونه مثال می‌زنند اگر علم اجمالی داریم به این که در میان این ظرف‌های متعدد یک ظرف نجس است منتهی نمی‌دانیم یک ظرف است یا متعدد است، یک علم دوم نیز داریم به اینکه زیر یک ظرف نجس دارد و ظرف او میان این اثاثات است. بنابر این در اینجا دو علم اجمالی داریم یکی اینکه علم اجمالی داریم که بعضی از این ظروف متعدد نجس هستند

ولی نمی‌دانیم یک ظرف است یا چند ظرف و از طرف دیگر می‌دانیم ظرف نجس زید هم در بین این ظروف است ولی مشخص نیست که کدام ظرف است. اگر علم اجمالی دوم وجود نداشت و فقط علم اجمالی اول بود یک ظرف نجس را که علم تفصیلی به او پیدا می‌کردیم مثلاً معین می‌شد که ظرف ج تفصیلاً نجس است علم اجمالی اول به شک بدوی نسبت به بقیه و علم تفصیلی نسبت به مورد ج منحل می‌شد. اما حالا که می‌دانیم و علم اجمالی داریم که ظرف نجس زید نیز در میان این ظروف است، در این صورت نمی‌توانیم نسبت به بقیه بگوییم شک ما شک بدوی است بلکه باید احتیاط کنیم چون شک ما مردد بین اقل و اکثر نیست. اما چنانچه معلوم دومی مردد بین اقل و اکثر باشد و شما یک ظرف را بیاورید بیرون و تفصیلاً بدانید که این ظرف، ظرف نجس زیر است می‌فرمایند اینجا علم اجمالی دوم نیز منحل می‌شود. (آیه‌الله خویی، ۱۳۷۸: ۱ / ۴۸۱)

پاسخ مرحوم آخوند (ره) به مرحوم نائینی

مرحوم آخوند می‌فرمایند این داخل در نزاع نیست و نباید برای لزوم فحص از مخصص به علم اجمالی استدلال کنیم. چون اولین مخصص را که پیدا کنیم علم اجمالی ما منحل می‌شود به یک شک بدوی و علم تفصیلی، همان طور که در اصول عملیه هرگاه شک دایر بین اقل و اکثر باشد اصولیین گفته‌اند. علم اجمالی انحلال می‌یابد به عام تفصیلی و شک بدوی. (آخوند خراسانی، ۳۶۳)

به همین خاطر مرحوم آخوند فرموده‌اند محل نزاع در جایی است که ما علم تفصیلی به تخصیص یا علم اجمالی به تخصیص نداشته باشیم. (همان: ۲۲۶).

وجه چهارم:

مرحوم آخوند (ره) می‌فرمایند عمومات بر دو قسم‌اند:

۱- عموماتی که از اهل محاوره صادر می‌شود و متعارف مردم است و بنای آن‌ها این است که مخصصات و قراین را همراه با کلام و متصل به آن ذکر می‌کنند. در این موارد حجیت عام مشروط به فحص از مخصصات نیست و قبل از فحص از مخصص تمسک به عام جایز است.

۲- عموماتی که در معرض تخصیص قرار دارند یعنی عموماتی که از کسانی صادر شده‌اند که بنای آن‌ها بر اعتماد بر مخصصات و قوانین منفصل است و شارع از جمله این افراد است (همان: ۲۲۶) نکته‌ای که در اینجا وجود دارد و احتیاج به توضیح دارد این است که مراد از عامی که در معرض تخصیص باشد و عامی که در معرض تخصیص نباشد چیست؟ در این خصوص مرحوم آقای بروجردی چند احتمال ذکر کرده‌اند:

احتمال اول: این است که بگوییم عامی که در معرض تخصیص است یعنی مخاطب به وجود مخصص ظن پیدا کند یعنی اگر مولی یک عامی را نقل کرده است اگر مخاطب ظن به مخصص پیدا کند در این صورت حق ندارد قبل از فحص از مخصص اصله‌العموم را جاری کند؛ این احتمال باطل است چون در خصوص همه‌ی عمومات احتمال این ظن وجود دارد. در حالی که مرحوم آخوند قائل به تفصیل شده‌اند و می‌گویند یک نوع از عمومات در معرض تخصیص نیستند اما طبق این احتمال همه عمومات در معرض تخصیص هستند.

احتمال دوم این است که ما احتمال مخصص را بدهیم نه ظن به مخصص را، آقای بروجردی می‌فرمایند این هم باطل است چون عقلاً در مقابل احتمال مخصص اصله‌العموم را جاری می‌کنند و به آن اعتنایی نمی‌کنند.

احتمال سوم: اینکه علم اجمالی به مخصص باشد که توضیح این و بطلان آن از نظر مرحوم آخوند قبلاً گفته شد.

احتمال چهارم که با عبارت کفایه نیز سازگاری دارد این است که می‌فرماید یک وقت مردم در مقام محاوره و گفتگو و خطابات شفاهی هستند مثلاً یک آقایی می‌گوید امروز ظهر همه ناهار بیایید خانه ما، اینجا اگر ما احتمال مخصص بدهیم و احتمال بدهیم که این آقا کسی را استثناء نموده است یا نه عقلاً به این احتمال توجه نمی‌کنند و بلافاصله اصله‌العموم را جاری می‌کنند (بروجردی، ۱۴۲۱: ۳۴۲ و، منتظری، ۱۳۷۳: ۳۴۶). بنابراین از دیدگاه مرحوم آخوند دلیل اصله‌العموم بناء عقلاء و سیره عقلاء است و باید ببینیم عقلاء در کدام یک از عمومات قبل الفحص اصله‌العموم جاری می‌کنند و در کدام بعدالفحص.

وجه پنجم: که درواقع دلیل دوم محقق نائینی است و خلاصه آن این است که حجیت عمومات به جریان مقدمات حکمت است که کاشف از این هستند که قید دیگری در کلام

متکلم دخالت ندارد، چون بعد از رجوع به ادله شرعیہ دانستیم که روش شارع این است که گاهی مقاصد خود را با قرائن منفصل بیان می‌کند. بنابراین اساس جریان مقدمات حکمت را منهدم می‌کند. پس این عمومات قبل از فحص از مخصصاتشان حجت نیستند. (قدسی، ۱۳۷۳: ۲/ ۱۲۷ و موسوی خویی، ۱۳۷۸: ۱/ ۴۸۷)

وجه ششم: با وجود اینکه استدلال مرحوم آخوند استدلال محکمی و ارزشمندی است و قابل اشکال نیست اما مرحوم آقای خویی به کلام آخوند (ره) اشکال نموده و به دو دلیل دیگر برای وجوب فحص از مخصص استدلال نموده‌اند. دلیل اول ایشان تمسک به حکم عقل می‌باشد. ایشان می‌فرمایند به همان ملاکی که عقل حکم به لزوم فحص از مخصص در شبهات حکمیہ می‌کند و حکم به فحص از مدعی نبوت و امامت می‌کند به همان ملاک نیز حکم به لزوم فحص از مخصص می‌کند و آن ملاک این است که عقل حکم به لزوم تحصیل مؤمن می‌کند و از منظر عقلی همین که شارع تکالیف را در معرض وصول قرار داده برای تنجیز تکالیف کافی است و مکلف باید تحصیل مؤمن نماید. (همان: ۴۸۷)

وجه هفتم: دلیل دوم آیه‌الله خویی برای وجوب فحص از مخصص تمسک به ادله و روایات وجوب تعلم است مقتضای آن ادله این است که جهل مکلف به احکام عذر محسوب نمی‌شود پس اگر فحص نکند و در واقع مخصص وجود داشته باشد عذر او پذیرفته نیست چون عذر او در نزد شارع جهل به تکلیف است و طبق ادله جهل رافع تکلیف نیست. بنابر این اگر به خاطر عدم فحص از مخصص حکم واقعی از او فوت شود مکلف معذور نخواهد بود و در نتیجه عام بدون فحص از مخصص حجت نیست. (همان: ۴۸۷)

وجه هشتم: این وجه را مرحوم صدر بیان کرده‌اند البته اگر استدلال ایشان صحیح باشد لازمه‌اش عدم فحص از مخصص است. ایشان فرموده‌اند در بین روایات متداول بوده که از کتب و روایات معاصرینشان فحص نمی‌کرده‌اند. شاید نسبت به سابقین فحص می‌کرده‌اند اما نسبت به کتب معاصرین فحصی انجام نمی‌داده‌اند و این در معرض دید امام (ع) بوده است و امام نیز نسبت به آن مطلبی نفرموده‌اند. اگر انجام فحص از کتب معاصرین یا روایات هم عصیان امری شایع بود حتماً برای ما نیز نقل می‌شد و مشهور می‌گشت پس می‌توان گفت تا وقتی برخورد به مخصص نشده باشد عام حجت است. آدرس خارج اصول فقه حضرت

استاد قائینی، سایت [almaktab.ir] این سه وجه اخیر نیز توسط علماء پاسخ داده شده‌اند ولی به خاطر جلوگیری از طولانی شدن کلام از ذکر آن‌ها جلوگیری می‌کنیم. همچنین وجوه دیگری نیز ذکر شده است که ما به همین مقدار کفایت می‌کنیم.

۴- مرحله چهارم: مقدار فحص واجب

در خصوص اینکه باید چقدر از وجود مخصص فحص کنیم نیز بین علماء اختلاف وجود دارد؟ به عبارت دیگر آیا باید علم به عدم وجود مخصص پیدا کرد؟ یا اینکه وثوق و اطمینان به عدم مخصص کافی است؟ در این خصوص میان علماء اختلاف نظر وجود دارد (عاملی، ۱۳۶۲: ۱۲۰)

عده‌ای از اصولیین گفته‌اند باید به اندازه‌ای جستجو کنیم که ظن به عدم مخصص حاصل شود و عده‌ای دیگر از اصولیین گفته‌اند باید به مقداری فحص کند که برای او قطع حاصل شود (فاضل تونی، بی تا: ۱۲۸). بنابر این مقدار فحص بستگی دارد به این که دلیل فحص از مخصص چه چیزی باشد. مرحوم آخوند (ره) گفته است فحص به مقدار وثوق و اطمینان کافی است. (آخوندخراسانی، همان) بنابراین باید به اندازه‌ای فحص کند که یأس از وجوه مخصص حاصل بشود و چون از نظر مرحوم آخوند دلیل وجوب فحص در معرضیت تخصیص بود و می‌گفت چون عام ما در معرض تخصیص قرار دارد به همین خاطر باید به دنبال مخصص بگردیم طبق این نظریه همین مقدار که این در معرض بودن ساقط شود برای فحص کافی است که این به همان مقدار اطمینان و وثوق است. اما اگر بگوییم دلیل فحص علم اجمالی است باید به اندازه‌ای باشد که علم اجمالی منحل بشود.

طبق دلیل اول آیه‌الله خوئی نیز که حکم عقل بود فحص باید به اندازه‌ای باشد که اطمینان به عدم وجود مخصص حاصل شود و اگر بدلیل فحص ادله وجوب تعلم باشد در این صورت مکلف باید به اندازه‌ای فحص کند که در پیشگاه خداوند متعال عذر داشته باشد و آن به اندازه‌ای است که اطمینان و گمان حاصل شود.

نتیجه گیری

بنابراین در خصوص جواز یا عدم جواز تمسک به عام قبل از فحص از مخصص بین اصولیین اختلاف نظر وجود دارد. اما اصولیین متأخر غالباً قائل به عدم جواز تمسک به عام قبل از فحص از مخصص هستند. فقط اختلاف آن‌ها در خصوص دلیل وجوب فحص از مخصص است و در این خصوص هر یک به دلیلی استدلال نموده‌اند. مرحوم میرزای نائینی دلیل وجوب فحص از مخصص را علم اجمالی می‌داند، مرحوم آقای خویی، حکم عقل و ادله وجوب تعلم می‌دانند و استدلال‌های دیگر، اما در این میان دلیل مرحوم آخوند (ره) که امام رضوان الله تعالی نیز همان عقیده را دارند. از همه استدلالات قوی‌تر و محکم‌تر است، ایشان قائل به تفصیل شده‌اند و معتقدند که اگر عام ما در معرض تخصیص باشد در این صورت فحص از مخصص واجب است اما اگر عام در معرض تخصیص نباشد در این صورت فحص از مخصص لازم نیست. به عنوان نکته پایانی که ثابت شد عمل به عام در معرض تخصیص قیل از فحص از مخصص جایز نیست لازم است بگوییم این مطلب به کلیه مواردی که احتمال وجود قرینه باشد اعم از اصول عملیه و سایر اصول لفظیه تعمیم داده می‌شود.

کتابنامه :

- ۱- آخوندخراسانی، ملامحمدکاظم (بی تا)، **کفایه الاصول**، بیروت: مؤسسه آل البیت.
- ۲- ابن منظور، جمال الدین محمدبن مکرم (۱۳۷۴)، **لسان العرب**، قم: نشر ادب حوزه
- ۳- اصفهانی غروی، شیخ محمد حسین (۱۳۴۴)، **نهایه الدرایه**، اصفهان: چاپ مهدوی.
- ۴- القدس، احمد (۱۳۷۳)، **انوار الاصول**، تقریرات درس آیه الله مکارم شیرازی، قم: نسل جوان.
- ۵- بروجردی، حسین (۱۴۲۱ ه.ق)، **لمحات الاصول**، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».
- ۶- بشروی خراسانی فاضل تونی، ملاً عبدالله، **الوافیه فی اصول الفقه**، به تحقیق محمدحسین رضوی کشمیری، مجمع الفکر الاسلامی، قم، بی تا.
- ۷- خمینی، روح الله (۱۳۷۳)، **منهاج الاصول الی علم الاصول**، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».
- ۸- سبحانی، جعفر (۱۳۸۳)، **التهذیب الاصول**، تقریرات درس امام خمینی (ره)، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی «ره».
- ۹- سیاح، احمد (۱۳۸۷)، **فرهنگ جامع نوین**، تهران: نشر اسلام.
- ۱۰- طباطبایی حکیم، سیدمحسن (۱۳۷۲)، **حقایق الاصول**، مکتبه البصیرتی، قم: ارم.
- ۱۱- عاملی، حسن بن زین الدین العاملی (شهیدثانی) (۱۳۶۲)، **معالم الدین و ملاذالمجتهدین**، تهران: موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل.
- ۱۲- فیاض، محمداسحاق (۱۳۹۰)، **محاضرات فی اصول الفقه**، درس آیه الله خویی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۳- کاظمی خراسانی، شیخ محمدعلی (۱۴۱۷ ه.ق)، **فوائد الاصول (تقریرات درس میرزای نائینی)**، قم: موسسه نشر اسلامی.
- ۱۴- مشکینی، شیخ علی (۱۳۷۱)، **اصطلاحات الاصول**، قم: چاپ دوم، انتشارات یاسر.
- ۱۵- مظفر، محمدرضا (۱۳۶۸)، **اصول فقه**، قم: مکتب اعلام اسلامی، ناصر.
- ۱۶- منتظری، آیه الله شیخ حسینعلی (۱۳۷۳)، **نهایه الاصول**، تفکر، تهران.
- ۱۷- موسوی بجنوردی، سیدمیرزا حسن (۱۳۸۵)، **منتهی الاصول**، مؤسسه العروج.
- ۱۸- موسوی بجنوردی، سید میرزا حسن (۱۳۸۶)، **منتهی الاصول**، عروج.
- ۱۹- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۸)، **اجودالتقریرات**، قم: صاحب الامر.
- ۲۰- مؤمن قمی، محمد (۱۳۷۷)، **تسدید الاصول**، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ۲۱- سایت almaktab.ir